

# وقتی انجمن ملی سلاح از کنترل اسلحه پشتیبانی می‌کرد!

با توجه به اینکه هیچ تخلفی از سوی اعضای پلنگ‌های سیاه (و تعداد فزاینده شاهدان) صورت نگرفته بود، آنها توانستند بدون هیچ مشکلی از سوی نیروی پلیس صحنه را ترک کنند.

اعضای این گروه که از گفت‌وگوی ملایم پلیس با آنها جسارت و شهامت پیدا کرده بودند، شروع به تعقیب ماشین‌های پلیس کردند و برای امریکاییان آفریقایی تباری که در حال حمل قانونی اسلحه از سوی پلیس متوقف شده بودند، مشورت قانونی ارائه دادند که این گروه این فعالیت‌ها را «گشت‌های پلیسی» می‌نامیدند.

وینکلر می‌گوید: «بابی سیل و هوی نیوتن از متهم دوم برای توجیه حمل اسلحه در ملا عام برای نظارت بر پلیس استفاده کردند.»

«پلنگ‌ها تفنگ به دست در خطوط کناری می‌ایستادند و با فریاد دستورالعمل‌هایی را به شخص مورد نظر می‌دادند. اینکه آنها حق دارند سکوت اختیار کنند و اینکه آنها تماشا می‌کنند و اگر هر اتفاق بدی بیفتد پلنگ‌های سیاه از راه می‌رسند تا از آنها محافظت کنند.»

لایحه دان مالفورد، عضو مجلس جمهوری خواه خواهان الغای قانونی شد که به شهروندان کالیفرنیا اجازه حمل آزادانه سلاح را می‌داد و پاسخ مستقیم به «گشت پلیس» پلنگ‌های سیاه بود که این لایحه هم از سوی مجلس ایالتی و هم از سوی سنا با پشتیبانی انجمن ملی سلاح به تصویب رسید. مالفورد علاوه بر درخواست الغای قوانین حمل آزادانه اسلحه در کالیفرنیا، آوردن سلاح گرم به عمارت پارلمان را هم غیرقانونی کرد. در ۲۸ جولای این لایحه از سوی شهردار - ریگان - امضا شد و به صورت قانون درآمد. ریگان بعداً اظهار کرد که «دلیلی نمی‌بینیم که امروز شهروندی در خیابان سلاح پر حمل کند.» مالفورد توانسته بود از ترس امریکاییان سفید پوست از سیاهان طی دهه ۱۹۶۰ بهره‌برداری کند. وینکلر یاد آور می‌شود که، با آنکه لایحه در خلع سلاح کردن پلنگ‌های سیاه مؤثر بود اما تأثیر چندانی بر کاهش خشونت مجرمانه نداشت.

این اولین بار نبود که انجمن ملی سلاح - که در ۱۸۷۱ با هدف آموزش تیراندازی به کهنه‌سربازان جنگ داخلی تأسیس شد - از قانون کنترل اسلحه پشتیبانی می‌کرد، هر چند که ممکن است با ایدئولوژی‌های انجمن ملی سلاح در قرن ۲۱ مغایر باشد.

در دهه ۱۹۲۰ و دهه ۱۹۳۰، انجمن ملی سلاح از اعمال محدودیت بر کسانی که با حمل اسلحه در خیابان در پی کاهش خصومت نسبت به مهاجران اروپایی در داخل کشور - که در آن زمان آزادانه سلاح حمل می‌کردند - پشتیبانی می‌کرد و پس از ترور مارتین لوتر کینگ و رابرت اف. کندی در ۱۹۶۸، انجمن ملی سلاح از قانون کنترل اسلحه که در همان سال به تصویب رسید، حمایت کرد که محدودیت‌های زیادی بر خرید اسلحه بر مبنای مواردی از جمله اعتیاد به مواد و سن مقرر کرده بود.

وینکلر می‌گوید، طنز ماجرا اینجاست که همین قوانین کنترل اسلحه که علیه سیاهان و پلنگ‌های سیاه به اجرا درآمد، باعث شد که «محافظه‌کاران سفیدپوست روستایی» در کشور نسبت به هرگونه محدودیت بر اسلحه‌های خود احساس ترس کنند. در کمتر از یک دهه، انجمن ملی سلاح از حمایت مقررات کنترل اسلحه به سمت ممنوع کردن گروه‌هایی که از سوی آنها احساس تهدید می‌کردند، حرکت کرد و در نهایت از پشتیبانی مقررات کنترل اسلحه اجتناب ورزید.

سلاح در فضاهای عمومی در محل استقرار این گروه یعنی ایالت کالیفرنیا کاملاً قانونی بود. وینکلر می‌گوید: پلنگ‌های سیاه به لحاظ نگاهی که در آن زمان به متهم دوم داشتند، «نوآور» بودند. پلنگ‌های سیاه به جای تمرکز بر ایده دفاع از خود در خانه، سلاح‌های خود را متهورانه به خیابان‌ها می‌آوردند چون احساس می‌کردند که باید از عموم مردم - خصوصاً سیاهان - در برابر دولت فاسد محافظت نمایند.

وینکلر در توضیح آن می‌گوید: «این تفکرات نهایتاً به درون انجمن ملی سلاح نفوذ کرد و مباحثه نوین اسلحه شکل گرفت.» با اعمال فراگیر قوانین کنترل اسلحه در کشور، این سازمان موضع مشابهی را با گروه عمل‌گرا اتخاذ کرد که زمانی برای تنظیم مقررات اسلحه مبارزه می‌کرد و قوانین حمل آزاد و قوانین حمل سلاح مخفی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده بود.

بعضی از جنبه‌های قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به اندازه متهم دوم مبهم و تفرقه‌انگیز هستند. متهم دوم بیان می‌دارد که «شبه‌نظامیان سازمان‌یافته وجود آنها برای امنیت کشور آزاد ضروری است و حق مردم برای نگهداری و حمل اسلحه نباید نقض شود.»

تعبیر برخی از افراد از این متهم آن است که شهروندان امریکایی از حقوق غیرقابل سلب برای نگهداری و حمل اسلحه برخوردارند، برخی دیگر با تأکید بر واژگان «سازمان‌یافته» و «شبه‌نظامی» آن را چنین تعبیر می‌کنند که تنها نیروی شبه‌نظامی سازمان‌یافته از این حقوق غیر قابل انکار برخوردار است. پلنگ‌های سیاه ممکن است خود را در میانه هر دو تعبیر ببینند.

گروه رادیکال امریکایی‌های سیاه که نام اولیه آنها پلنگ‌های سیاه برای دفاع از خود است، در ۱۹۶۶ در اوکلند کالیفرنیا بر مبنای ایدئولوژی مالکوم X فقید تأسیس شد. آنها معتقد بودند که جنگ برای برابری نژادی، برخلاف موعظه‌های ماترین لوتر کینگ، با اقدامات و اعتراضات غیرخوشنوت آمیز به نتیجه نخواهد رسید بلکه نیازمند اقدامات نیرومندتری است تا بقای اقوام سیاه‌پوست تضمین گردد.

بخش بزرگی از کمپین این گروه علیه عدالت نژادی بر مالکیت اسلحه و آموزش نحوه استفاده از اسلحه متکی بود. طی سال‌های اولیه پلنگ‌های سیاه شروع به جمع‌آوری اسلحه‌های مختلف کردند، منجمله مسلسل، رایفل و سلاح کمری. سربازان جدید ملزم بودند که نحوه استفاده، تمیزکاری و شلیک با این اسلحه‌ها را یاد بگیرند و در عین حال، نسبت به حق خود برای حمل سلاح گرم و نحوه ابلاغ این موضوع به پلیس کالیفرنیا آگاهی پیدا کنند.

پس از آن که مؤسسان پلنگ‌های سیاه در سال ۱۹۶۷ در خودروی پراز سلاح از سوی افسران پلیس بازداشت شدند، نیوتن دانش خود را درباره قوانین به آزمون گذاشت. زمانی که از نیوتن درباره اسلحه‌ها سؤال شد، به سادگی پاسخ داد که جز ارائه «کارت شناسایی»، نام و آدرس‌اش موظف به انجام کار دیگری نیست.

به درخواست افسر پلیس، نیوتن، اسلحه به دست از ماشین پیاده شد و از پاسخ به این پرسش که چرا او سایر پلنگ‌های سیاه سلاح حمل می‌کنند امتناع ورزید. وقتی رهگذران گرد آمدند، پلیس سعی کرد جمعیت را پراکنده سازد و این در حالی بود که نیوتن از آنها استقبال می‌کرد. او می‌دانست که تحت قوانین کالیفرنیا، عابران قانوناً می‌توانند منظره بازداشت را نظاره کنند مشروط بر اینکه در کار پلیس اختلال ایجاد نشود.

■ Thaddeus Morgan

نویسنده و روزنامه‌نگار



بحث بر سر حمایت یا مخالفت با کنترل اسلحه در ایالات متحده آمریکا هر روز بالا می‌گیرد و با وجود آن که انجمن ملی سلاح در حال حاضر حامی اصلی حق شهروندان برای حمل هر نوع اسلحه با دخالت حداقلی دولت به شمار می‌آید، اما این پلنگ‌های سیاه بودند که اولین بار با اتخاذ این موضع از حق حمل اسلحه حمایت کردند.

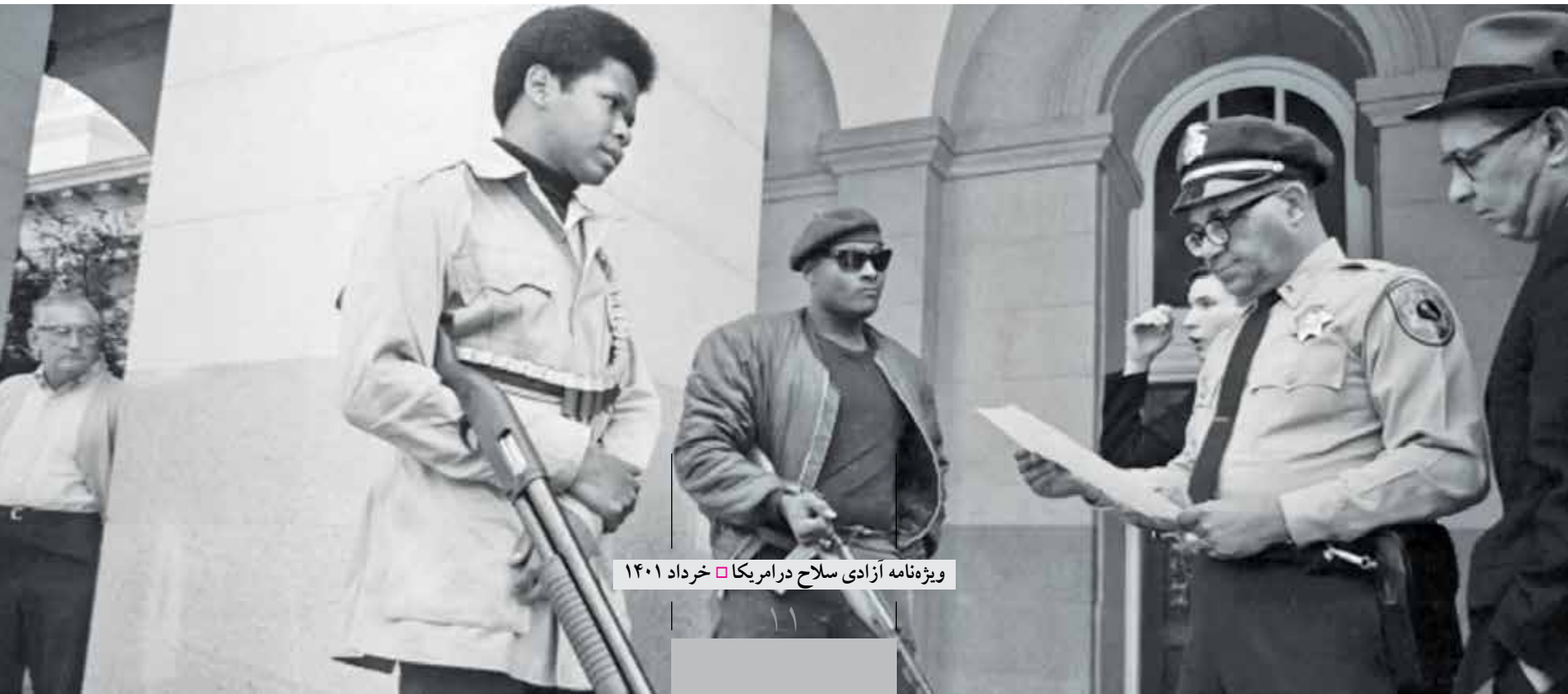
در طول اواخر دهه ۱۹۶۰، گروه ملی‌گرای سیاه‌پوستان شبه‌نظامی با استفاده از برداشت خود در مورد دقایق قوانین اسلحه کالیفرنیا بر بیانیه‌های سیاسی خود درباره انقیاد امریکاییان آفریقایی تبار تأکید ورزیدند. در ۳۰، ۱۹۶۷ نفر از اعضای پلنگ‌های سیاه در پله‌های مجلس مقننه ایالت کالیفرنیا در حالی دست به اعتراض زدند که مسلح به مگنوم‌های ۳۵۷، شات‌گان‌های کالیبر ۱۲ و سلاح‌های کمری کالیبر ۴۵. بودند و شعار می‌دادند، «زمان آن رسیده است که سیاهان خود را مسلح کنند.»

سیاستمداران - منجمله شهردار کالیفرنیا رونالد ریگان - از این صحنه چنان به وحشت افتادند که از تصویب قانون مالفورد حمایت کردند؛ مالفورد یک لایحه ایالتی بود که حمل آزاد سلاح گرم پر به انضمام حمل سلاح گرم در عمارت پارلمان ایالتی را ممنوع می‌کند. لایحه مصوب ۱۹۶۷ راه را برای تصویب سختگیرانه‌ترین قوانین اسلحه در آمریکا هموار کرد و موجی از محدودیت‌های ملی کنترل اسلحه را به راه انداخت.

آدام وینکلر نویسنده «درگیری مسلحانه: نبرد بر سر حقوق حمل اسلحه» می‌گوید: «این قانون بخشی از موج قوانینی بود که در اواخر دهه ۱۹۶۰ برای تنظیم مقررات مربوط به اسلحه خصوصاً با هدف قرار دادن امریکاییان آفریقایی تبار به تصویب رسید.»

«منجمله قانون کنترل اسلحه ۱۹۶۸ که قوانین جدیدی را برای ممنوعیت تصاحب اسلحه از سوی افراد معین اتخاذ کرد و سختگیری ارائه جواز و بازرسی معامله‌گران اسلحه و ایجاد محدودیت برای حمل سلاح‌های جیبی ارزان معروف به اسلحه ویژه شب‌ها را که در برخی از جوامع شهری متداول بود، مقرر کرد.»

برخلاف مخالفت شدیدی که انجمن ملی سلاح امروزه در آمریکا با کنترل اسلحه دارد، این سازمان در دهه ۱۹۶۰ دوشادوش دولت برای اعمال مقررات سختگیرانه‌تر کنترل اسلحه مبارزه کرد. این بخشی از تلاش‌هایی برای ممانعت از دسترسی امریکاییان آفریقایی تبار به اسلحه همزمان با اوج‌گیری تنش‌های رادیکال در این کشور بود. انجمن ملی سلاح به‌طور خاص از سوی پلنگ‌های سیاه احساس تهدید می‌کرد، زیرا تصاویر حمل



ویژه‌نامه آزادی سلاح در آمریکا □ خرداد ۱۴۰۱